

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: آندری فورسوف (Andrey Fursov)، دکتر علوم تاریخ، فعال رسانه‌ای و اجتماعی - ۱۹ اگست ۲۰۲۳  
برگردان: ا.م. شبیری  
۲۶ اگست ۲۰۲۶

## اربابان جدید جهان چه خوابی برای ما دیده‌اند



### عریبه‌های طبقه رو به زوال در آستانه مرگ

قانونی به نام اشبو-شانون-وینر (Ashby-Shannon-Wiener)، به معنای «نظام کنترل باید متنوع‌تر، پیچیده‌تر و قدرتمندتر از نظام کنترل موجود باشد». توجه کنید در ۵۰ سال گذشته در غرب چه اتفاقاتی افتاده است. جامعه پیچیده‌تر از نخبگان شد. چرا جامعه؟ نه به این دلیل که به خودی خود پیچیده است. لایه قدیمی در حال مرگ است و نوع جدید در حال پیدایش. و این جدید و قدیم به هم گره خورده‌اند و شرایط بسیار سختی را ایجاد می‌کنند. و در این وقت، نخبگان سقوط می‌کنند. افلاطون در یکی از بحث‌هایش چنین تصویری ترسیم می‌کند: خدا دایره‌ای را می‌چرخاند و در این دایره دوار مردم و ارباب‌ها می‌دوند. سپس خداوند تصمیم می‌گیرد: «می‌خواهم در جهت دیگر بچرخانم» و در جهت دیگری می‌چرخاند. اما مردم هنوز در همان جهت حرکت می‌کنند و این هم موجب تصادم می‌شود.

در پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، کاملاً مشخص شد که زیرنظام حکومت نخبگان جهان از تنوع و پیچیدگی کمتری نسبت به جامعه جهانی برخوردار است. و از این رو، تخریب آموزش و علم تنها آن ریشه‌ای را ندارد که به عوامل تعیین‌کننده جدید تولید تبدیل شود و نخبگان جهانی که نمی‌توانستند پیچیده‌تر شوند، مسیر ساده‌سازی حداکثری و حذف تنوع را در پیش گرفتند.

فضای توپولوژیک (مکان‌شناسی) بشریت به سرعت در حال تبدیل شدن به فضای عشرت‌طلبانه افراد آموزش دیده خوشگذران است.

و تنها راه باقی مانده برای آن‌ها، سوار شدن بر تکامل با تکیه بر کنترل ژنوم انسان است. جانورشناس فوق‌العاده‌ای به نام بلیای‌یف وجود داشت که سه نسل روباهان خانگی وفادار به انسان را پرورش داد! او فقط روی روباهان کار نکرد.

این یک نشان بیولوژیکی عمومی است. من شواهد مستقیم در اختیار ندارم، اما با تمام شواهد غیرمستقیم، این تصور وجود دارد این بچه‌ها که اکنون سعی می‌کنند چیزی را تربیت کنند که به آن «مرد خدمتگزار» می‌گویند، یعنی در واقع، قصد دارند یک نظام شبه کاست درست کنند. تکامل اجتماعی را به جامعه زیستی تبدیل کنید و این یک فرصت است برای آن‌ها. من زیست‌شناس نیستم، اما با خواندن این اثر تحریک شدم. مغز خزنده، قدیمی‌ترین بخش مغز انسان است. کنترل بر مکان، سلسله مراتب، مدیریت اجتماعی. مغز لیمبیک بخشی از مغز است که در واکنش‌های رفتاری و احساسی مانند لذت بردن از فراگیری یک چیز جدید و زیبا نقش دارد. و نوقشر (نئوکورتکس) - اصلاً معلوم نیست چه کار می‌کند! اما واضح است که این امر به درجات متفاوت در افراد مختلف وجود دارد. اما در اینجا من افراد زیادی را چه در کشور ما و چه در خارج از کشور مشاهده می‌کنم که دارای مغز خزنده هستند. و من در کتاب «زنگ‌های تاریخ» در سال ۱۹۹۶ آن‌ها را «هموسورها»، «انسان‌های مارمولک» نامیدم. این ربطی به خزندگان ندارد، بلکه به افرادی مربوط است که یک چیز اصلی، یعنی جایی در سلسله مراتب، تسلیم شدن، پول بر آن‌ها غالب است.

چطور تمام خواهد شد؟ تا سال ۲۰۵۰، ۲۰۷۰ به کجا خواهیم رسید؟ اگر فاجعه جهانی رخ ندهد. طبیعتاً تاریخ کلاً تکرار نخواهد شد. اما در نسخه تسریع شده، پایان امپراتوری روم اکنون در حال وقوع است. این سقوط نخبگان است. گاهی از من می‌پرسند: «پس، نخبگان جدید چگونه پدید می‌آیند؟ پاسخ: وقتی بحران به اوج خود می‌رسد، نخبگان جدید با خون ظاهر می‌شوند. سپس شکارچیان جدیدی پیدا می‌شوند که برای بالا رفتن از هرم باید خود را با بخش بیشتری از جامعه همانند کنند. در غیر این صورت، هیچ چیز کار نخواهد کرد. توجه داشته باشید که سلسله‌های مروونگی و کارولینژی از منطقه استرازی به فرانک آمده‌اند، این منطقه، شامل بلجیم امروزی و سرزمین‌های اطراف آن است. اینجا فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین منطقه دولت فرانک بود. چرا نخبگان از آنجا آمدند؟ برای این که در آنجا شکاف بین توده‌ها و نخبگان بسیار کم بود و توده‌ها از پادشاهان مو بلند خود و سپس ماژوردوموها حمایت کردند. بنابراین، در دنیای معاصر، آخرین سازمان‌هایی که سقوط می‌کنند، سازمان‌هایی خواهند بود که در آن بالادست‌ها با توده‌ها ارتباط نزدیک دارند.

مارکس و انگلس بدرستی نوشتند که در جریان انقلاب‌ها، طبقه‌ای که انقلاب می‌کند، باید برای یک دوره کوتاه منافع کل جامعه را در مقابل طبقه پیشین نمایندگی کند. این شرط به قدرت رسیدن یک طبقه جدید است و آن تاکنون قابل مشاهده نیست. زیرا، تمام این زاکربرگ‌ها را سرویس‌های ویژه پدید آورده‌اند. اما آن‌ها اکنون پایگاه خود را ساخته‌اند. من هم فکر می‌کنم که در ادامه، شاهد سازش‌های جدی بین این گروه‌ها خواهیم بود.

چرا آن‌ها اینقدر از ترمپ متنفرند؟ ترمپ همه چیز را خراب کرد. یک برنامه ۱۶ ساله برای تغییر امریکا وجود داشت. ۸ سال - اوباما، و ۸ سال - کلینتن. و بعد از اوباما ناگهان ترمپ می‌آید که به انجام کارهای زیادی موفق می‌شود! معلوم است که او برنامه خود را به طور کامل محقق نکرده است و نتوانست کامل کند. من اکنون از این اصطلاح به معنای منفی استفاده نمی‌کنم. او یک مرتجع است. برای این که می‌خواهد امریکای تقریباً مرده را نجات دهد. این امریکا است که همین بچه‌های خشمگین در سال ۶۸ به آن خیانت کردند. اما ترمپ می‌خواست امریکای در حال مرگ را که دیگر قابل نجات نیست، نجات دهد.

ترمپ غریب مرگ طبقه‌ای است که دندان‌های اربابان جدید را خواهد کشید. و آن‌ها نرم‌تر خواهند بود... به خاطر بیایرید، که در فلم «عملیات ی» فدیاء، توسط شوریک دوباره آموزش دید. او اصل زمان برژنف را چنین فرمول‌بندی کرد: «دانشجو، اکنون زمان آن است، که با مردم باید «نرم‌تر» رفتار کرد و مسائل را «وسیع‌تر» دید. تعدادی از دندان‌هایشان را کشید.

«قرار دادن هوش مصنوعی در برابر انسان مانند قرار دادن یک هواپیما در برابر خلبان است». تا اینجا، هوش مصنوعی یک ابزار است. و هوش مصنوعی همیشه توسط انسان کنترل خواهد شد. نکته دیگر این است که غیر کاهنان این هوش مصنوعی می‌توانند پشت آن پنهان شوند و بگویند: «این ما نیستیم! این هوش مصنوعی است!» به هر حال، در رمان «عدن»، اثر استانیسلاو لم، این دگرگونی توصیف شده است. و در «مجموع فنون»، آن را به زبانی فلسفی توضیح داده است. آری، آن‌ها می‌توانند پشت هوش مصنوعی پنهان شوند. ببینید، چگونه همه این نوآوری تکنولوژیک، در وهله اول هسته سفید غرب را به دست می‌آورند و در نهایت کار خواهد کرد... این، یک نمای ساده شده بود: بربرها رم را غارت کردند. اما خود رُم بربریزه شد. اتفاقاً بربرها به رُم آمدند تا مانند رُم زندگی کنند. رُم از درون پوسید. اما همین امر در مورد پساغرب مدرن در حال وقوع است. یک بار من و پسر من در فلورانس، نزدیک اوفیتزی نشسته بودیم، به ایتالیایی‌ها نگاه کردم... و به ذهنم خطور کرد که ایتالیایی‌های کنونی همان نگرشی را نسبت به رویدادهای سده‌های پانزدهم تا شانزدهم دارند که اعراب نسبت به اهرام دارند. یعنی هیچ کدام. یا، مثلاً، جمعیت فعلی مسکو چه نگرشی نسبت به مترو دارد. مترو که توسط افراد کاملاً متفاوت ساخته شده است. و من مطمئن نیستم که مردم امروزی چنین متروئی بسازد.

روند توسعه بلندمدت (۱۰۰ سال گذشته) نشان می‌دهد که بهره‌وری نیروی کار در نظام سرمایه‌داری صنعتی کاهش خواهد یافت. گمان می‌کنم که اقتصاد نوظهور جهان، اگر فاجعه جهانی رخ ندهد، چند لایه خواهد بود. اقتصاددان نامدار ما، یارمنکو، یکی از کسانی که روسیه در نیمه دوم قرن بیستم در برابر او پاسخگو خواهد بود، گفت که اقتصاد آینده می‌تواند سوسیالیسم برای ثروتمندان و سرمایه‌داری برای فقراء باشد.

یعنی بالا، همان جامعه جدید پسا سرمایه‌داری است که اکنون وجود دارد. سطح بعدی امور مالی، بانک‌ها هستند. سپس صنعت توسعه‌یافته، صنعت توسعه نیافته و در نهایت، هر چیز دیگری است. به هر حال، این «هر چیز دیگر» بسیار زیاد است. بنابراین، سال ۶۳ بر روی جلد مجله «تکنولوژی- جوانان» تصویر یک شهر شناور برای ۵۰ هزار نفر چاپ می‌شود. به هر حال، این مسأله دیگری را برای نخبگان حل می‌کند. به این معنی که آن‌ها مجبور نیستند مالیات بپردازند. آن‌ها در خارج از حوزه قضائی حضور دارند.

پسا سرمایه‌داری فنودالیسم جدید نیست. فنودالیسم، فردی است که می‌آید و می‌گوید: «در مراحل اولیه، بدن شما به من تعلق دارد، اما نه به عنوان یک برده. و دست آخر، زمین شما متعلق به من است». یعنی عوامل بیرونی از شما بیگانه می‌شوند. این نظام جدید است، که در آن، عوامل معنوی از خود بیگانه می‌شوند و در اینجا فرد به عنوان یک موجود اجتماعی، از خود بیگانه می‌شود. او را به محدوده‌های خاصی سوق می‌دهد و او به انسان شبکه تبدیل می‌شود. یعنی این بیگانگی یک فرد به عنوان یک کل است و نه فقط بدن آن...

این، انسانیت‌زدائی است. و در این مرحله، فرانسوا گران و محیط‌زیست‌گرایی بسیار مناسب است. بنیاد معروف حیات وحش را به خاطر بیاورید که توسط شوهر الیزابت دوم مدیریت می‌شود. اتفاقاً این مستند شده است: او بارها گفته است که اگر قرار باشد برای زندگی دوباره به زمین بازگردد، دوست دارد به عنوان یک وپروس بازگردد تا از جمعیت سیاره بکاهد. واقعاً هم جمعیت کره زمین طبق منطق نظام سرمایه‌داری، در عصر صنعتی به طرز چشمگیری افزایش یافت. اما از آنجایی که یک نظام پسا سرمایه‌داری با تولید دانش‌محور در حال ظهور است، این جمعیت از دیدگاه آن‌ها باید یک طوری بشود.

برگرفته از: [وبگاه فردا](#)

۳ شهریور-سنبله ۱۴۰۲